

قنات های تبریز شریان های شهر بودند / میراث ماندگار تبریز را فراموش کردیم!

بهمن ۱، ۱۴۰۱



مصاحبه از: محمد امین خوش نیت

آذرقلم: موضوع قناتها، به عنوان یکی از میراث با ارزش معنوی، در همه شهرها و روستاها جایگاه ویژه ای دارد. این پدیده ساخت دست بشر، به نام ایرانی ها در سازمان یونسکو به ثبت رسیده و اغلب مهندسان آب و شهرسازی و جغرافیای جهان، از مشاهده چنین امکانات پیشرفته و حساب شده استحصال و انتقال آب شرب در زمان های قدیم و با آن امکانات و تجهیزات ناچیز حیران مانده اند.

شهر تبریز، به عنوان یکی از شهرهای تاریخی هم در طی چند سده گذشته از این پدیده بهره مند بوده و تقریباً آب آشامیدنی مردمانش و نیز آب مزارع و باغات انبوه این شهر از محل همین قنات ها تامین می شد. اما با گسترش بی رویه شهرها در طی چند دهه گذشته، و موج

مهاجرت روستائیان به این شهر، و به دلیل عدم رسیدگی و لایروبی به موقع نابود شده و از دسترس خارج شدند.

اما اکنون اغلب کارشناسان محیط زیست، شهرسازی و مدیریت شهری معتقدند که این شریان های روحبخش باید دوباره احیا شده و حداقل به عنوان میراث تاریخی به شهروندان و مردمان سایر ملل معرفی شوند.

هر چند شهر کویری یزد به خاطر فعالیت تبلیغی مدیرانش و احیا و بها دادن به موضوع قنات های تاریخی اش به شهر « قنات و قنوت و قناعت» معروف گشته اما در شهر تبریز هم قنات ها، جایگاه ویژه و کارکردهای خاص خود را داشتند.

در همین رابطه با مهندس عبدالمفتحی به عنوان یکی از مطلعین قنات های تبریز و از علاقه مندان تاریخ و فرهنگ و محیط زیست آذربایجان به گفتگو نشستیم. او اکنون با 75 سال سن در زیرزمین خانه اش به کار کارشناسی دادگستری و مطالعه و تحقیق و پژوهش در زمینه تاریخ و هویت تبریز مشغول است. جالب است بدانید که او در طی سال های 54 تا 57 عضو انجمن شهر تبریز بوده و از آن روزگار خاطرات و تجارب ارزشمندی دارد که مطالعه آنها برای شهروندان امروزی و حتی مدیریت شهری جالب توجه است.

حاصل دو جلسه گفتگوی سه ساعته ما نوشتار زیر است که در زیر می خوانید:



آقای مهندس! در ابتدای صحبت مان، از عنوان «باغ شهر» که معمولاً برای شهر تبریز به کار می رود سخن بگوئید. آیا این عبارت یک واژه معمولی، اغراق آمیز و تبلیغی برای این شهر است یا سند معتبری برای اثبات آن وجود دارد؟

به موضوع خوبی اشاره کردید. این عنوان، هرگز شعاری و تبلیغاتی نیست. بلکه به استناد مدارک تاریخی و نقشه های هوایی و مطالعات

کارشناسان داخلی و خارجی، این عنوان به درستی برای این شهر انتخاب شده است.

لازم می دانم اشاره کنم که طرح جامع تبریز سال 1349 به همراه چهار کلانشهر دیگر شامل: تهران، مشهد، اصفهان و شیراز به تصویب رسید. بر اساس مطالعات مهندسين مشاور «مقتدر آندروف» (دو مهندس ایرانی و روسی) به صراحت اعلام شد که تبریز نه یک شهر معمولی، بلکه یک باغ شهر به معنای واقعی است که در بین باغات محصور شده است به ویژه باغات بیلانکوه و باغمیشه در شمال و باغات مارالان و لاله در جنوب! جریان هوا در این شهر از روزگاران دور به نحوی بود که نسیمی خنک از باغات باغمیشه وزیدن گرفته و به سمت غرب و جنوب تبریز و حتی در میان درختان مارالان جریان پیدا می کرد. این جریان باد خنک، هوای تبریز را حتی در وسط روزهای داغ تابستان خنک و دلپذیر می ساخت و به مفهوم واقعی، تب تبریز را پایین می آورد. در همان طرح مطالعاتی برای اجرای طرح تفصیلی، حداقل 50 درصد فضاهای غیرمسکونی این شهر به عنوان فضای سبز پیشنهاد شد. این ایده نیز به پشتوانه قنات هایی بود که از زمان های دور در این شهر جاری است. چون حیات این همه درخت و باغ به حیات و جاری بودن این قنات ها وابسته بود.

این قنات ها از کجا جریان پیدا می کردند؟

اغلب قنات های تبریز از شمال شرقی تبریز و از دامنه های سهند سرچشمه گرفته و طول و عرض شهر را می پیمودند. در سال 1350 طرح تفصیلی شهر تبریز به عنوان طرح عملیاتی طرح جامع، به مهندس مشاور «مرجان» واگذار شد که در آن طرح نیز، همه دلسوزان شهری، بر حفظ باغات این شهر و احیای قنوات به عنوان رگ های حیاتی شهر تاکید شد.

چرا این طرح تفصیلی با چالش ها و مخالفت هایی روبرو شد؟ نقش دکتر وارسته شهردار وقت تبریز در این قضیه چه بود؟

این موضوع تا سال 1352 به کش و قوس بین مدیران شهری، مدیران سیاسی، زمین خواران و صاحبان املاک و اراضی تبدیل شده بود تا اینکه در سال 1352 انجمن شهر تبریز به ریاست دکتر جهانشاهی، دکتر حمید وارسته را برای بار دوم به عنوان شهردار تبریز انتخاب کرد. مرحوم وارسته، از جمله نوابغ شهری بود که نسبت به احیای هویت شهری اهتمام ویژه ای داشت.



از انجمن شهر آن دوران یاد کردید. چه کسانی در آن عضو بودند و چند نفر الان در قید حیات هستند؟

همکاری و همفکری انجمن های وقت شهر با شهردار نتایج ارزشمندی برای این شهر به بار آورد. شاید بتوان گفت که این دوره یکی از درخشان ترین دوره های مدیریت شهری تبریز بود. در این انجمن افراد برجسته، خوشنام و متخصصی مانند: دکتر الستی، مهندس سیدامامی، دولت آبادی، مهندس آراکلیان، ظروفچی، بختیاری، قالیباف، تقی زاده، مهندس باقری و بنده عضو بودند. از پانزده عضو انجمن آن زمان، در حال حاضر فقط چهار عضو در قید حیات هستند و بقیه به رحمت خدا رفته اند.

اعضای این انجمن در آن دوره، 1600 تومان ماهانه به عنوان حق جلسه دریافت می کردند که آن را هم به صندوق شهرداری تبریز عودت می دادند تا صرف امور عمرانی و خدماتی شهر شود. اعضای انجمن شهر آنقدر مناعت طبع داشتند و دلسوز شهر بودند که نیازی به این پول ها احساس نمی کردند.

بالاخره تلاش شهردار و انجمن شهر در مورد قنات های این شهر و طرح تفصیلی به کجا انجامید؟

انجمن شهر و دکتر وارسته، مشاور طرح تفصیلی را ملزم به حفظ باغات و درختان و قنوات این شهر کردند. در سال 1355 شهردار تبریز یک آگهی منتشر کرد و طی آن از کلیه دارندگان امتیاز قنات ها خواست تا اسناد و مدارک مالکیت خود را به شهرداری ارائه دهند. این نکته را هم فراموش نکنیم که تقریباً نقشه هوایی همه باغات تبریز و حدود 75 درصد نقشه قنات های تبریز در سال 1346 تعیین و مکان یابی و لکه گذاری شدند. در آن زمان

تبریز با چالش فعالیت قنات ها و تعارض منافع مالکان قنات ها و باغداران از یک سو و انگیزه سرمایه داران و ملاکان برای کسب سودهای بیشتر در راستای توسعه شهری مواجه بود.

یعنی به نظر شما، نابودی قنات ها و باغات تبریز از سال های دهه 50 شروع شد؟

ببینید این موضوع را باید تا دهه بیست عقب ببریم. تا سال 1327، تقریباً آب مشروب همه شهروندان تبریز، آبیاری باغات آن توسط قنات ها تامین می شد. حتی اداره آبیاری وقت، واحدی به نام اداره قنوات داشت. با کلید خوردن توسعه شهری در دهه های سی تا پنجاه، برخی باغداران با هدف تفکیک باغات و فروش آنها و کسب سودهای کلان مدعی شدند که دیگر توان نگهداری و آبیاری باغات را ندارند. در حالی که اصلاً این طور نبود. بلکه عامل اصلی همان کسب سودهای بادآورده از قبیل ساختمان سازی و توسعه شهر بود. بنابراین کلید نابودی باغات تبریز از همان سال های ابتدایی دهه پنجاه کلید خورد. بعد از پیروزی انقلاب نیز با توجه به تغییر برخی قوانین و ساختارها، برخی سودجویان از فرصت استفاده کرده و تبر نابودی بر تنه درختان این شهر زدند. در این بین، جا دارد از مسئولان وقت دانشگاه تبریز قدردانی کرد که حداقل با تملک برخی از باغات پیرامونی از نابودی و تغییر کاربری آنها و در نهایت تبدیل آنها به برج ها و ساختمان های بلند جلوگیری کردند.

به استناد کدام قانون و یا کدام ارگان و نهاد، مجوز نابودی باغات تبریز صادر شد؟

تصویب قانون عمران اراضی شهری مصوب 8 تیرماه 1358 اولین قدم برای تخریب باغات بود. در نتیجه باغات باغمیشه و بیلانکوه از بین رفت و قسمتی از باغات مارالان هم به تصاحب ساخت و سازها و سودجویان و زمین خواران درآمد.

خوشبختانه شورای نگهبان 12 بهمن ماه سال 1359 این قانون را غیرشرعی و غیرقانونی اعلام کرد.

در چنین اوضاعی دیگر نیازی به قنات و آب های زلال و فرح بخش آن نبود. آب و درخت، لازم و ملزوم یکدیگرند. یکی نباشد دیگری هم نابود می شود. حداقل با اطمینان می توان گفت که تا سال 1356 هفتاد درصد قنات های تبریز ساری و دایر بودند.



تبریز و 18 قنات دایر آن:

می توانید چند نمونه از قنات های معروف تبریز را نام ببرید؟
از مهمترین قنات هایی که در این دوره در تبریز جاری بودند می توان به قنات های: امام جمعه، مجتهد، سیه جان، کلانتر، شمس آباد، منصور بیگ، تاجر باشی و قوچی باشی اشاره کرد که اغلب از منطقه ائل گلی (شاهگلی سابق) به طرف بافت مرکزی شهر جاری می شدند. عمق و ارتفاع کوره های هر یک از این قنات ها از چهار متر تا 25 متر متفاوت بود.

به نظرم انجمن شهر در آن سال ها، مصوبه ای در خصوص حفظ این قنات ها داشت. از جزئیات آن می فرمائید؟

انجمن شهر در سال 55 صاحبان باغات و قنات ها را ملزم کرد آب قنات ها را به سمت باغات شهر روانه کنند تا از خشک شدن عمدی آنها جلوگیری شود که بسیار موفقیت آمیز بود. اما در سال های بعد این الزام، به فراموشی سپرده شد و در نتیجه یک دهه بعد با اراضی خشک و لم یزرع و آماده برای تصاحب و ساخت و ساز! مواجه شدیم.
در ضمن انجمن شهر تبریز در سال 1355، مجوز حفر پنج حلقه چاه برای تامین آب خام شهر را صادر کرد که چاه موجود در جلوی بانک ملی فعلی و چاه زیر پل منصور از جمله آنهاست.

این قنات ها، کدام اراضی و باغات را سیراب می کردند؟

منصور بیگ و تاجر باشی تا جلوی محل زندان فعلی تبریز جاری بودند سپس وارد یک منهول شده و آب پر شده در منهول باغات مسیر تا منطقه مارالان را سیراب می کردند. به نظر می رسد این قنات ها، اکنون منبع آب فضای سبز دانشگاه شده است. قنات سیه جان به عباسی می رفت و قنات وزیرآباد هم گازران را سیراب می کرد.

قنات شمس آباد، که چاه اصلی آن در فتح آباد قرار دارد بیش از 200 متر عمق دارد و جزو یکی از پدیده های بی نظیر ساخت دست بشر به شمار می آید.

قنات های مجتهد، امام جمعه و قوچی باشی از سه راهی ولیعصر به طرف باغمیشه جاری می شدند. حدفاصل اداره جهاد کشاورزی فعلی تا فلکه دانشگاه سراسر باغ و درختان چندین ساله بود که در حال حاضر با تغییر کاربری به ادارات مختلف و ساختمان های مسکونی تبدیل شده اند.

اکنون چه باید کرد؟

به هر حال، کاری است که شده و ما با بحران نابودی باغات و کمبود آب و فقدان قنات های خشک شده روبرو شده ایم. اکنون چه باید کرد؟ حیات مجدد قنات های شهر به مطالعه اساسی و زیربنایی و تخصصی نیاز دارد. نیازمند بحث و بررسی و عکس برداری های هوایی و نقشه برداری است. بدون توجه به سودهای زودبازده، به نظرم باید این قنات ها را احیا کرد. این یادگارهای 200 و 300 ساله برای این شهر بسیار ضروری هستند.

ما به جنگ طبیعت رفتیم!

بزرگترین اشتباه مدیران حوزه آب و شهرسازی و مدیریت شهری این بود که بدون توجه به اهمیت و بازدهی این قنات ها، آنها را به حال خود رها کردند تا مثل باغات ما خشک شوند. از سوی دیگر ما به جنگ طبیعت رفتیم. و به جای تامین قسمتی از آب مصرفی خودمان از قلب تبریز، دست به دامان حوضه های آبی دیگر شدیم. انتقال آب از زرینه رود به تبریز از جمله همان طرح های عمرانی پرافت و خیز بود. اکنون هم تلاش می شود تا با انتقال آب بین حوضه ای، آب رود ارس به دشت تبریز و شبستر منتقل شود. قطعاً این امر نیز در آینده تبعات خاص خود را در محیط زیست بر جای خواهد گذاشت.

قنات ها رگ های خونی طبیعت تبریز بودند، با طبیعت نباید جنگید. باید از طبیعت الهام گرفت و با او مهربان بود. نتیجه جهل و عدم مدارای انسان با طبیعت را اکنون در یک صد سال اخیر در جهان می توانید ببینید. دریاها و چشمه های خشک شده، بیابان زایی ها، انقراض نسل حیوانات و گیاهان منحصر به فرد و در نهایت بروز مشکلات غیرقابل حل و بیماری های گوناگون حاصل جنگ و عداوت بشر با طبیعت است. در تبریز هم در طی پنج دهه گذشته جنگ با طبیعت شدت گرفت. گیاهان و باغات خشک شدند، قنات ها نابود شدند تنها برای کسب درآمدهای کلان و زودگذر. عده ای شهرت طلب و فرصت طلب، سرمایه های شهر را به فنا کشاندند. طبیعت میراث گذشتگان است برای ما و ما باید آن را سالم و دست نخورده به نسل های بعدی به ارث بگذاریم نه اینکه آن را سرمایه شخصی خود بدانیم.

در مطالعات اولیه ظاهراً قرار بود تبریز به سمت غرب و شمالغرب توسعه پیدا کند. اما در طی چند دهه گذشته دقیقاً در خلاف جهت توسعه پیدا کرد. در این باره نظر شما چیست؟

بله، حق با شماست. بر اساس طرح های مطالعاتی مشاوران زبده، قرار بود تبریز به سمت غرب توسعه پیدا کند. چرا که هم زمین های صاف و مسطحی داشت و مظهر قنات های مختلف در آن قسمت شهر بود. هم اینکه در کنار حفظ باغات و فضای سبز منطقه شرق تبریز که بسیار سرسبز و شاداب بودند در غرب تبریز هم با توسعه اماکن مسکونی و شهرک سازی ها، نیم نگاهی نیز به توسعه فضای سبز داشت. اما متأسفانه در کمتر از پنجاه سال، این طرح را تغییر دادند. شهرنشینی به سمت شرق تبریز توسعه پیدا کرد و هر روز از وسعت باغات شهر کاسته شد. تغییر کاربری هایی که ادارات مختلف انجام دادند، خشک کردن های مصنوعی و قطع درختان که توسط افراد سودجو اتفاق افتاد کمر طبیعت این شهر را شکست. باغات باغمیشه و بیلانکوه که ریه های شهر محسوب می شدند تخریب شدند، کوی ولیعصر خارج از محدوده شهری بود و طرح ویلایی داشت وارد محدوده شده و برج سازی در آن رواج یافت. از طرف دیگر جاده ائل گلی که در طرح اولیه 80 متر عرض برای آن در نظر گرفته شده بود به 50 و حتی کمتر کاهش پیدا کرد. در نتیجه یکی از بزرگترین فرصت ها و مهمترین ظرفیت شهر تبریز که می توانست شهره ایران و حتی خاور میانه باشد به خاطر بی تدبیری ها، و عدم آینده نگری کم اثر شد.

به نظرم اگر تبریز، بر اساس آن نقشه ها و مطالعات انجام شده در شصت سال گذشته به سمت غرب توسعه پیدا می کرد اکنون شهری داشتیم که حداقل جزو شهرهای موفق و نامدار جهان از این لحاظ بود و این حرف اغراق نیست. با آن درختان سرسبز و قنات های پرآب، هشت بهشت را واقعا در تبریز شاهد بودیم. از آن همه باغاتی که در ضلع شمالی بلوار 29 بهمن در حدفاصل اداره جهادکشاورزی فعلی تا فلکه دانشگاه قرار داشت، همه تغییر کاربری داده شده اند. تنها با دلسوزی و تلاش عده ای قلیل، باغی به مساحت 42 هزار متر مربع متعلق به خانم «پوران دخت حیدرزاده» به عنوان فضای اداری ساختمان مترو باقی مانده است که ایشان هم چندی پیش در خارج از کشور فوت کردند.

در چله تابستان اگر شما در داخل یک ماشین در حال عبور از منطقه مارالان دست خود را بیرون می آوردید دست تان یخ می زد برای اینکه هوای آن منطقه به قدری خنک بود که شما گرما را احساس نمی کردید. مسیر جریان هوای تبریز از باغمیشه و بیلانکوه و رشدیه به طرف جنوب و جنوب غرب تبریز بود. اما الان جهت وزش بادهای عوض شده است. حالا هوای آلوده است که از سمت غرب و جنوب غرب تبریز به سمت شهر پمپاژ

می شود. اکنون با جنگلی از ساختمان های بلند روبرو هستیم که روح زیست شهری در آنها وجود ندارد. انسان به دست خود، زندگی آرام و روحبخش خود را به نابودی کشاند.

قنات های تبریز هنوز زنده اند!

قنات، موجود زنده ای است. تا زمانی که آب در دل آن جریان دارد قنات هم زنده است. اکنون قناتهای تبریز هم زنده اند. فقط مطهر و قسمتی از کوره های آن را گم کرده ایم و روی آنها ساختمان ساخته ایم. تنها چیزی که لازم داریم اراده و انگیزه در مدیران شهری و بهره گیری از کارشناسان و مهندسان ماهر است نقشه برداران و مشاوران و مهندسان آب را باید پای کار بیاوریم. باید طرحی نو دراندازیم و این قنات ها را شناسایی و احیا کنیم. به نظرم قنات های تبریز در زیر زمین منتظر ما هستند آنها زنده اند و نیازمند یاری و کمک ما. نیازمند لایروبی هستند. در زمان های دور، در ماه های اردیبهشت و خرداد، این قنات ها توسط یک مقنی و سه کارگر از بالا به پایین لایروبی می شدند و آب آنها زیاد می شد. اما حالا کسی سراغی از مقنی ها و کارگران و متخصصان قنات های تبریز نمی گیرد. این کار را اکنون با ماشین آلات مدرن دوباره شروع کرد. باید مطالعه و نقشه برداری های جدید صورت گیرد. واقعیت تلخ امروز این است: ما هویت و میراث ماندگار شهرمان را فراموش کردیم!

از حضور شما در این مصاحبه و اطلاعات ارزشمندی که در اختیار ما گذاشتید سپاسگذاریم.